

حضور مائونیست های نپال در دولت مشترک

بعد از جنبش عظیم توده ایی که در ماه آوریل سال گذشته در «نپال» به وقوع پیوست، بورژوازی این کشور، تمام توان خود را صرف منحرف کردن جنبش اعتراضی مردمی و کشاندن آن به میز مذاکره نمود. در اواخر سال ۲۰۰۶ مذاکرات آغاز و در روز ۳۱ مارس ۲۰۰۷ توافقات نهایی به انجام رسید. اکنون «حزب کمونیست نپال» (مائونیست) (CPN-M) و دولت بورژوایی حاکم (UML) هر کدام پنج وزیر در کابینه‌ی دولت خواهند داشت.

نخست وزیر جدید باز هم «گ. پ. کویرالا» است که اقلیت بسیار کوچکی را در مجلس نمایندگی می کند. البته وجود این اقلیت کوچک به شکرانه‌ی حزب بورژوایی جدیدی است که از تجزیه‌ی «کنگره‌ی نپال» و «حزب کنگره‌ی نپال دموکراتیک» شکل گرفته است.

طرفین مذاکره کننده در آخرین نشست های خود به توافقات زیر

رسیدند:

۱- تدوین برنامه‌ی عمومی حداقل، که برنامه و سیاست های دولت موقت

خواهد شد؛

۲- تشکیل نظام نامه‌ی عملکردهای کابینه‌ی موقت؛

۳- تشکیل آیین نامه‌ی کار؛

۴- تشکیل کمیته‌ی نظارت مشترک از هشت حزب برای نظارت بر دولت.

در رابطه با توافق اول، مانوئیست ها پذیرفته اند تا تمام املاک -خصوصی و دولتی- تصاحب شده را در ظرف مدت ۱۵ روز بازگردانند؛ کسانی که از خانه های خود آواره شده اند را با احترام برگردانند و از نمایش اسلحه در ملاء عام خودداری کنند. احزاب همچنین متعهد شده اند که از سازماندهی اقدامات گروهی و اعتصاب که از آن ها به عنوان «مزاحمت اجتماعی» یاد شده، خود داری ورزند.

«کویرالا» پس از سوگند در پارلمان به تشکیل کابینه مبادرت کرد و ناظر سوگند خوردن وزرای خود گردید. سهمیه بندی سمت ها از این قرار است: «کنگره‌ی نیپال»، UML و مانوئیست ها هر کدام پنج کرسی در کابینه؛ «کنگره‌ی نیپال دموکراتیک» سه کرسی و «جبهه‌ی مردم»، «جبهه‌ی متحد چپ» و حزب NSP-A هر کدام تنها یک کرسی می گیرند. «کنگره‌ی نیپال» سمت نخست وزیری را می‌گیرد و مانوئیست ها هم تنها یکی از وزارتخانه ها را به دست خواهند گرفت.

«کنگره‌ی نیپال» آماده پیاده کردن برنامه‌های خود در زمینه‌ی بازسازی دفاعی، خانه‌سازی، مالی و برنامه‌ی جدید صلح و نوسازی با استفاده از علوم جدید و تکنولوژی می‌باشد. این حزب بورژوازی، عهده‌دار وزارتخانه‌هایی نظیر امور خارجه، آموزش و پرورش، ورزش، فرهنگ، جهانگردی و هوانوردی غیرنظامی، کشاورزی و چندین شرکت ها مدیریتی خواهد بود. «کنگره‌ی نیپال دموکراتیک» نیز وزارت کار، حمل و نقل، منابع آب، حقوق و دادگستری و روابط پارلمانی را به عهده خواهد داشت.

اکنون چه؟

در جریان رقابت در زمینه‌ی این تصمیم تاریخی، فشار فزاینده‌ی ای در میان رده‌های مختلف حزب کمونیست (مانونیست) ایجاد شده است. حملات سلطنت طلبان با کنترل جنبش «ترایی» و اقدامات دیگری نظیر حمله به محدوده دفاتر CPN-UML با استفاده از مواد منفجره، مانونیست‌ها را مجبور به پذیرش دولت موقتی کرده که بازتابی از توازن قوا موجود در درون جنبش توده‌ای نمی‌باشد. به هر حال این بهایی است که توده‌ها باید به خاطر خود محوری رهبران کمونیست خود بپردازند.



علیرغم بسیج توده‌ای، اعتصابات و اعتراضات اعضای «ارتش آزادیبخش مردمی» (PLA) در ظرف چند ماه اخیر، شرایط آن‌ها رو به بهبودی نرفته و همین وضعیت در بقیه‌ی کشور هم حاکم است. مانونیست‌ها موضوع انقراض سلطنت را مسئله‌ی اساسی آینده نپال قرار داده‌اند؛ بدون درک این مسأله که شاه وابسته به امپریالیزم، تنها یک دکور است و تنها تغییر این دکور کافی نیست.

پیش از توافقات ماه مارس بین طرفین متخاصم، مانوئیست‌ها تهدید به اعتصاب عمومی کرده بودند. اما آن‌ها از این امر صرف نظر کردند چرا که نخست وزیر دولت کنونی به مانوئیست‌ها قول داد که در مجلس بعدی، مسأله سلطنت، اولین مسأله مورد بحث باشد. اشکال اصلی در اینجاست که مانوئیست‌ها به طبقه‌ی حاکمی اعتماد می‌کنند که سابقه‌ی بسیار ناپسندی در حفظ قول و قرارهای خود دارد. اما حتی اگر هم مقام نخست وزیری دولت کنونی به قول خود وفادار باقی بماند، همچنان کلیه‌ی تضادهای طبقاتی جامعه‌ی نیپال به جای خود باقی خواهند ماند بدون آنکه هیچ چیزی بنیاتی تغییر کند.

توجیه آن‌ها

مانوئیست‌ها در حقیقت به دولت بورژوایی پیوسته‌اند و حالا با توجه به اینکه دیگر یک نیروی محرک نیستند، باید بورژوایی رفتار کنند. برای مثال همین چندی پیش بود که «پراچاندا» رهبر مانوئیست‌ها درباره‌ی لزوم الحاق ارتش مردمی به ارتش پرولتاریا صحبت می‌کرد؛ اما امروز او تمامی موعظه‌های خود را فراموش کرده و بیش‌رمانه دست همکاری به دولت بورژوایی نیپال داده است.

در سال ۱۹۹۹، «لی اونستو» که یک طرفدار آمریکایی مانوئیست‌های نیپال است با «پراچاندا» مصاحبه‌ای داشت و از او پرسید که اهمیت مبارزه با رویزیونیزم چه اندازه است. «پراچاندا» در پاسخ گفت "منبع قدرت من در این است که از رویزیونیزم متنفرم. من جداً از رویزیونیزم متنفرم و خودم هرگز با رویزیونیزم سازش نمی‌کنم." (جنبش مانوئیستی در نیپال،

(ص ۱۳۱)

امروز او مجبور است با اقدامات اکرابتیک سیاسی خود وارد دولتی بشود که حدود ۹ ماه پیش برای جنگ با مائونیست ها به جنگل های نیپال لشکر می فرستاد. آیا تنفر او امروز از رویونیزم آبکی شده است؟

«پراچاندا» علاوه بر این گفته است که او بعد از پیوستن به کابینه‌ی موقت، تقدم را به تضمین انتخابات "آزاد، عادلانه و بی ترس" مجلس مؤسسان خواهد داد. او که رو به خبرنگاران صحبت می کرد، سپس اضافه کرد که "بباید به این فکر نباشیم که به نظام سابق پیوسته ایم. تشکیل کابینه‌ی موقت فرآیند جدیدی را آغاز کرده است."

او در ادامه فاش کرد که رهبری هشت حزب مذاکره کننده زیر قراردادی را مبنی بر توافق برای عزل سلطنت امضاء کرده، که در صورتی که معلوم شود که شاه بر علیه آرای مجلس مؤسسان دست داشته و یا توطئه کرده باشد، با رأی دو سوم پارلمان او را خلع کنند. «پراچاندا» همچنین گفت که وزرای مائونیست اکنون از امنیت حکومتی برخوردار هستند و "این کشور دیگر کشور دو حکومتی نیست. (سایت نیپال نیوز، اول آوریل ۲۰۰۷)

حکومت نیپال، حکومتی ائتلافی است که مائونیست ها با شرکت در آن پشتیبانانی توده های مردم را برای آن فراهم آورند و در عوض احزاب بورژوازی تمام پست های مهم وزارت را تصاحب کردند. این چیز تازه ای نیست. معمولاً دولت های «جبهه‌ی خلقی» به این ترتیب شکل می گیرند. این روشی است که در به اصطلاح "آموزش دادن" سیاستمداران محترم آینده هم به کار می رود تا طرز رفتار و عمل را به آنان بیاموزند و به اضافه، جلوی افکار عجیب و غریب کمونیست ها را در مورد مسائل کلیدی مانند مالکیت خصوصی، اصلاحات رادیکال ارضی یا سایر رفورم های اجتماعی

که در نیپال بسیار حیاتی است را بگیرد. مانوئیست ها به جای اصرار بر پیاده کردن خط مشی مستقل انقلابی که متکی به طبقه ی کارگر و دهقانان باشد، می خواهند مطیعانه تا ماه ژوئن، تاریخ تعیین شده برای مجلس مؤسسان، صبر کنند. حتی بعد از آن تاریخ، نهایت کاری که آن ها می توانند بکنند، پذیرش نظام سرمایه داری نیپال و منحل کردن نظام کمونی است که در مناطق تحت کنترل مانوئیست ها به اجرا گذاشته شده بود. عجب چرخش باور نکردنی ی است برای آن کمونیست های نیپالی، که برای تغییر انقلابی آن جامعه جنگیدند!



آینده دولت

کابینه ی دولت «کویرالا» بسیار بحرانی خواهد شد. بسیار بعید است که این کابینه بتواند بر روی هیچ مسأله ای، به جز نیاز به مجلس مؤسسان، توافق کند. در نتیجه ورق، ورق بحران است. این حقیقت هم وجود دارد که توده ها از جنگ خسته شده اند و در نتیجه برای مدتی به این دولت فرصت نفس کشیدن می دهند، اما اینکه این دوره چقدر ادامه بیابد، سنوال دیگری است. حقیقت این است که با عقب نشینی

مانویست‌ها در تمام جبهه‌ها، برای توده‌ها آترناتیو دیگری باقی نمانده است. در نتیجه حتی ائتلاف هم در حال حاضر به عنوان یک راه حل به کار می‌رود. اما مسائل آن‌ها با این ائتلاف طبقاتی حل شدنی نیست. بنابر این ما باید در انتظار تغییرات بزرگ و حوادث ناگهانی در نپال باشیم. مماشات مانویست‌ها با بورژوازی حاکم سبب بازگشت مجدد «کویرالا» به قدرت شد. به پیامد آن مانویست‌ها به دولت پیوسته و مشغول منحل کردن نیروی چریکی ۱۵ هزار نفری خود شدند. مانویست‌ها مجبورند به خاطر اینکه پشتیبان‌های توده‌ای خود را از دست ندهند هر چه زودتر یک کاری برای توده‌های مردم انجام دهند.

مشکل در اینجا است که از طرف دیگر طبقه‌ی حاکم تشکیل مجلس مؤسسان را تا حد امکان به تعویق می‌اندازد و همزمان با هرگونه تقلب و مائوری از پیروزی کمونیست‌ها در انتخابات جلوگیری می‌کند.

نیاز به چشم‌اندازی مارکسیستی

برای عده‌ای بسیار عجیب به نظر می‌رسد که مانویست‌ها به دولت پیوسته‌اند. تا چندی پیش چنین چیزی غیرقابل تصور می‌نمود. اما اگر کمی بیاندیشیم، پی می‌بریم که چندان هم عجیب نیست. ریشه‌ی تمام این وضعیت



دستان پراچانداو که تا دیروز گره کرده از اندیشه‌های مائو و جنگ خلق دفاع می‌کرد، امروز برای توجیه ورود حزبش به دولت بورژوازی بالا و پایین می‌رود.

در تئوری دو مرحله ای استالینیستی نهفته که می گوید اول "انقلاب دموکراتیک" و مدت ها بعد انقلاب سوسیالیستی. مانوئیست ها در حال حاضر معتقدند که به مرحله ی اول دست یافته اند و حالا باید برای ساختن یک حکومت سرمایه داری مدرن همکاری کنند. اما در تجربه خواهند دید که به هیچ وجه چنین نخواهد شد. یک حکومت سرمایه داری مدرن در نیپال ممکن نخواهد بود. اصلاحات دموکراتیک درازمدت ممکن نیست، مگر با اقدام فوری در جهت مبارزه برای رسیدن به سوسیالیزم.

رهبران جنبش کمونیستی باید به این درک برسند که بهبود وضع زندگی توده ها تحت نظام سرمایه داری عملاً ممکن نخواهد بود، خواه شاهی وجود داشته باشد، خواه نداشته باشد. اگر شرایط توده ها تغییر نکند، دخالت در این دولت یا حتی در یک جمهوری هم هیچگونه بازدهی ی جدی نخواهد داشت.

رهبران جنبش کمونیستی باید بازنگری دقیقی نسبت به تاکتیک های خود نموده و به جبهه متحدی از تمام گروه های کمونیست، اتحادیه های کارگری، سازمان های دهقانی و گروه های مترقی دانشجویی بپیوندند و متحدانه برنامه ای تهیه کنند که تغییرات فوری را در شرایط زندگی توده ها مردم مطالبه کند: مطالبات سوسیالیستی.

اینکه منتظر یک جمهوری افسانه ای تا پایان سال باشند، تله ای بیش نیست و کمونیست ها نباید در آن بیافتند. آن ها باید از این به اصطلاح «بورژوازی مترقی» ببرند. در نیپال چنین چیزی وجود ندارد. این بورژوازی به شدت مرتجع است و پیوند کوری با امپریالیزم در «هند» و «ایالات متحده آمریکا» دارد. در حال حاضر، بورژوازی ارتجاعی تنها نوع بورژوازی

ممکن در «نپال» است. تمام رهبران مانویست و سازمان های کارگری باید یک برخورد روشن سوسیالیستی و بین المللی اتخاذ کنند. هر برخورد دیگری به شکست می انجامد.

تمام توده های منطقه ی آسیای جنوبی امروز چشم به تشکیل دولتی دوخته اند که مانویست های آن تا چندی پیش در حال مبارزه ی مسلحانه بودند. آن ها انتظار دارند که شاهد تغییرات بزرگی باشند. بنابر این، نپال با وجود این که کشوری کوچک و عقب مانده است، از نظر سیاسی می تواند نقش بزرگی را ایفا کند و نمونه باشد؛ چه نوع و نمونه ایی بحث دیگری است. آیا یک کشور کمونیستی خواهد بود که پیروزمندانه توده ها را از نظام سرمایه داری بیرون می برد یا شکست دیگری خواهد شد، به نفع بورژوازی که به کارگران و دهقانان نشان دهد که مبارزه ی انقلابی امکان ندارد. کمونیست های نپالی در حال حاضر بر سر شاهراه مهمی قرار ندارند. آن ها تا اینجا که چرخش اشتباهی داشته اند. اما می توانند بازگردند و اشتباه خود را جبران کنند. اگر رهبری ثابت کند که توانایی این بازگشت را ندارد، آنگاه این وظیفه به دوش عناصر انقلابی درون جنبش انقلابی نپال می افتد؛ کسانی که از این تجربه درس گرفته و توانایی طرح و اجرای چشم انداز نوینی را برای توده ها دارند.

۵ آوریل ۲۰۰۷

برگردان و تلخیص: شکوفه بهار

منبع: نشریه میلیتانت شماره ۲

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۶